

بررسی یک قتل عام صبرا و شتیلا

نوشته

آمنون کاپولیوک

ترجمه

سید ضیاء مصلح



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۴

Kapeliou, Amnon

کاپلیوک، امنون، ۱۹۳۰-۲۰۰۹م

سرشناسه:

بررسی یک قتل عام: صبرا و شتیلا/ نوشته امنون کاپلیوک؛ ترجمه سیدضیاء مصلح

عنوان و نام پدیدآور:

تهران: اطلاعات، ۱۳۹۴

مشخصات نشر:

۲۱۶ ص.؛ مصور

مشخصات ظاهری:

978-964-423-981-6

شابک:

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

Enquête sur un massacre: Sabra et Chatila, c1982

یادداشت:

کتابنامه به صورت زیر نویس

یادداشت:

اردوگاه پناهندگان شتیلا

موضوع:

اردوگاه پناهندگان صبرا

موضوع:

اردوگاههای پناهندگان - لبنان

موضوع:

قتل عام - لبنان - بیروت

موضوع:

اغراب فلسطین - لبنان - بیروت

موضوع:

لبنان - تاریخ - جنگ با اسرائیل، ۱۹۸۲ - ۱۹۸۵م - فجایع

موضوع:

بیروت (لبنان) - تاریخ

موضوع:

مصلح، ضیاء، مترجم

شناسه افزوده:

مؤسسه اطلاعات

شناسه افزوده:

DS 8V/53/1394

رده بندی کنگره:

۹۵۶/۹۲۵

رده بندی دیویی:

۳۹۱۳۲۵۳

شماره کتابشناسی ملی:



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۲۹۹۵۳۱۱۱

تلفن دفتر توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۲۲

تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵۶

فروشگاه مرکزی: تهران، بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶

فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۲۲

بررسی یک قتل عام: صبرا و شتیلا

ترجمه سیدضیاء مصلح

نوشته امنون کاپلیوک

صفحه آرا: رحیم رضایی

ویراستار: افسانه فاروینی

حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

طراح جلد: رضا گنجی

شمارگان: ۱۰۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۴

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-423-981-6

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۳-۹۸۱-۶

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۷	 مقدمه
۹	 پیشگفتار
۱۶	 یوگروم‌ها در روسیه
۱۷	 ماجرای دریفوس در فرانسه
۱۸	 جنگ جهانی اول و دوم
۲۴	 کشتار یهودیان؛ واقعیت‌ها و حقیقت‌ها
۲۶	 هدف و نتیجه این توطئه‌ها و تبلیغات
۲۷	 جنایات صهیونیستی - انگلیسی
۳۱	 منابع پیشگفتار
۳۳	 مقدمه نویسنده
۳۵	 بخش یکم / سه‌شنبه چهاردهم سپتامبر ۱۹۸۲
۳۵	 مقدمات «عملیات مشت آهنین»
۵۱	 بخش دوم / چهارشنبه پانزدهم سپتامبر

- اسرائیل پایتخت یک کشور عربی را اشغال می کند..... ۵۱
- بخش سوم / پنجشنبه شانزدهم سپتامبر..... ۶۷
- دوستان ما وارد اردوگاه می شوند..... ۶۷
- بخش چهارم / جمعه هفدهم سپتامبر..... ۹۵
- جمعه سیاه..... ۹۵
- بخش پنجم / شنبه هجدهم سپتامبر..... ۱۱۵
- در چنین عملیات هایی اسیر وجود ندارد..... ۱۱۵
- بخش ششم / یکشنبه نوزدهم سپتامبر..... ۱۳۳
- برادران، یکدیگر را می کشند ولی یهودیان متهم می شوند!..... ۱۳۳
- بخش هفتم / دوشنبه بیستم سپتامبر..... ۱۵۱
- جنایت جنگی در بیروت..... ۱۵۱
- تصاویر..... ۱۶۵

مقدمه

کتاب حاضر حاصل پژوهش‌های «آمنون کاپولیوک» روزنامه‌نگار شهیر فرانسوی است که همان‌طور که خود گفته ضمن حضور در محل فاجعه صبرا و شتیلا، اسناد بسیاری را مورد بررسی قرار داده و در نهایت نتیجه می‌گیرد که ارتش اسرائیل می‌بایست مسئولیت آنچه در اردوگاهها، نزدیک به ۷ روز در اواسط ماه سپتامبر می‌گذشت، را برعهده گیرد و عذرخواهی کند. او مشخص می‌سازد مسئولان عالی‌رتبه کشوری و لشکری اسرائیل حداقل از این جنایت هولناک باخبر بوده و از آن حمایت کرده‌اند.

متن اصلی، ترجمه کتاب «بررسی پرونده یک جنایت؛ صبرا و شتیلا» است که تنها دو ماه پس از واقعه در نوامبر سال ۱۹۸۲ به همت نویسنده به زبان فرانسوی و در پاریس چاپ و منتشر شده است.

در این کتاب سعی ما بر این بوده که تا بیشترین حد ممکن به متن اصلی وفادار بمانیم مگر آنجا که این وفاداری باعث سخت‌خوانی

کتاب می‌شد. در نسخه اولیه ضمائم و تعلیقات فراوانی را جهت ارائه به خوانندگان تهیه نموده بودیم. این ضمائم حاوی مطالبی بودند که با توجه به گذشت بیش از ۳۰ سال از واقعه صبرا و شتیلا خوانندگان جوان‌تر را در برقراری ارتباط با متن کتاب یاری می‌نمود. اما با توجه به حجم فراوان، آنها را به صورت بسیار خلاصه در پاورقی‌ها قرار دادیم تا از افزایش بیش از اندازه صفحات کتاب جلوگیری کنیم. بنابراین تمام پاورقی‌های کتاب پیش رو از ماست، مگر آنجا که نام نویسنده به صورت خاص ذکر شده است. این تحقیقی است که دانشجویان و حق‌پویان و ظلم‌ستیزان به نیکی می‌توانند از آن بهره‌جویی کنند.

در تهیه متن اصلی و چاپ و انتشار کتاب، بزرگانی متحمل زحمات و سختی‌هایی شدند. نخست از مرحوم جناب دکتر سیدصادق طباطبایی یاد می‌کنیم که با وجود کسالت راهنما و یارمان بود و افسوس نماند تا نتیجه پیگیری‌های منظم و مداومش را ببیند. روحش شاد. سپس از جناب دکتر محمدمهدی جعفری پژوهشگر علوم دینی که ما را از راهنمایی‌های خود بی‌نصیب نگذاشتند. و متن متین و دقیقی را به کتاب ضمیمه کردند که مستند به تحقیقات تاریخی است و خود راهی می‌گشاید برای طالبان حقیقت. عمرشان دراز باد. سپس و تشکر از جناب آقای علی ایمانی که متن اصلی را مجدداً در دسترسمان قرار دادند و مهندس مجتبی لاوری منفرد که امکانات سخت‌افزاریشان را بی‌مزد و منت در اختیار گذاردند.

در پایان لازم می‌دانیم مراتب قدردانی و سپاس خود را از مؤسسه اطلاعات و همچنین بخش نشر و چاپ ابراز نماییم.

امید که جمیع این تلاش‌ها مقبول طبع خوانندگان عزیز افتد.

سیدضیاء مصلح - سید احسان مصلح

بوشهر، تاستان ۹۴

پیشگفتار

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ... (البقره/۶۱)

«و آن روزگار را به یاد آوردید که (شما یهودیان نجات یافته از ستم فرعون مصر در صحرای سینا) گفتید: ای موسی! ما هرگز در برابر یک خوراکی شکیبایی و پایداری نخواهیم کرد پس به خاطر ما از پروردگارت بخواه تا از گیاهانی که از زمین می‌رویاند، مانند دانه‌هایی که با آن نان می‌پزند و خیار و نخود و پیاز برایمان فراهم کند. موسی (با خشم و شگفتی از این همه بهانه‌جویی و رفاه‌طلبی) گفت: آیا خواستار جایگزینی خوراکهای پست (شهرنشینی و کار کشاورزی) با بهترین چیزها هستید؟ فرود آید در شهر که هر چه را خواستید برایتان فراهم است. و مهر خواری و زبونی بر آنان زده شده است و به هر سوی روی آرند دچار خشمی از سوی خدا شوند. از آن روی که پیوسته به آیات خدا کافر می‌شدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند؛ از آن جهت که نافرمانی کردند و تجاوزکاری در پیش گرفتند.»

آیت الله طالقانی در ذیل این آیه نکاتی را پرتوافکن ساخته‌اند که کوتاه شده آن بازتاب داده می‌شود:

«میل به تنوع در غذا، خستگی از زندگی در صحرا، بدخویی و بهانه‌جویی‌های بی‌جا آنها را وادار به چنین درخواستی کرد. در حقیقت حکمت الهی و مقصود موسی و بزرگان همین بود که این قوم خوی گرفته به ذلت و سست اراده و ناتوان، در مدت زندگانی بیابان از میان بروند و فرزندی نیرومند و بلندهمت جای آنها را بگیرند. تعبیر «از پروردگار خود بخواه که برای ما از محصولات زمین بیرون آرد» سستی و انگل بودن آنها را می‌رساند که یا بر مردم یا بر موسی و خدای موسی باید سربار باشند تا برای آنان بی‌رنج هر چه از محصولات زمین خواهند برویاند.

توسعه در تنوع، آن هم بی‌رنج و عمل، تنها در زندگی خوش‌نشینی شهر فراهم می‌شود. تحول از زندگی بدوی (بیابانی)، اگر از مبادی ایمانی و اصول اخلاقی آغاز گردد، و اساس و مواد اولی آن از افرادی با ایمان و دارای مسئولیت وجدانی و خوی انسانی پایه‌گذاری شود و در تحت تعالیم رهبرانی اندیشنده و کوشا قرار گیرند، نتیجه‌اش هماهنگی فکری و پیشرفتهای عقلی و بهره‌دادن و بهره‌گیری افراد و طبقات و به کار افتادن قوای نفسی آنها و در دسترس قرار گرفتن خیرات طبیعت است.

اگر گراییدن به شهر و اجتماع در آن، از مبادی شهوات و تأمین لذات آغاز گردد، ملازم با هبوط و سقوط قوای معنوی و عقلی و جسمی از محیط زندگی فطری و بدوی است؛ زیرا زندگی بیابان از هر جهت محفظه‌ای طبیعی است که عقل فطری و نفسیات و جسم را از آفتها نکه می‌دارد و قوای فطری را پرورش می‌دهد. ولی آن دسته از شهرنشینی که برای تفنّن و پر خوری و تنبلی گردهم جمع می‌شوند و نام چنین اجتماعی را تمدن می‌گذارند، جسم و روحشان ناتوان می‌گردد و همواره اندیشه

و قوای عقلی‌شان در پی حیل‌های معیشت و جستن راه‌های آن به کار می‌رود؛ بدین جهت مغزها از ادراکات فطری تهی می‌شود و اندیشه‌های شیطانی درون آن را تاریک می‌سازد و از توجه و درک هدف عالی زندگی و تشخیص خیر و صلاح باز می‌مانند. و اراده‌ها در برابر قهر حکومتها که لازمه چنین زندگانی است، سست می‌گردد. هر چه قدرت مقاومت و اراده و جسم این شهرنشینان ضعیف‌تر می‌شود، بیشتر در زنجیرهای بندگی که به صورت قوانین و برای سلطه هیأت حاکمه است، درمی‌آیند. تا آنکه باطنشان از استعداد خیر و روح عزت و شرافت و دیگر خصلت‌های آدمی تهی می‌شود. فرومایگانی می‌گردند آدم‌نما، جاهلانی عالم‌نما، بیمارانی سالم‌نما، بندگان اقامتش و محکومینی حاکم‌روش، با بدنهایی بیمار و نفوسی زبون و بی‌بند و بار! چنین مردمی دشمن هر ضعیف، بنده هر قوی، شکار هر صیاد و مسخره هر شیادند.

بنی اسرائیل با پیروی از هدایت موسی از هیوط گاه خوف و حزن مصر صعود کردند و به بهشت امنیت و آزادی و فطرت برگشتند تا آنکه جاذبه شهوات دوباره آنان را به پایین کشانید و از هدایت سرپیچی کردند و دچار هیوط در شهر و اجتماع شَرخیز شدند. [موسی بدانان گفت:] در شهرنشینی بدون تقوا آنچه بخواهید هست و راه شهوات و تنوع در غذا و تفنن در زندگی باز است و همراه آن ذلت و مسکنت و کینه خلق و خشم خداست. در این زندگی هر چه جلوی آرزوهای فریبنده بازتر گردد، بندهای بندگی مال که وسیله آنهاست و بندگی قدرتمندان و حکام بر نفوس محکم‌تر می‌گردد و شعله هدایت عقل و حرارت غیرت و مردانگی و همت خاموش‌تر، و خوی نفاق و ریا و دروغ و تملق در نفوس راسخ‌تر می‌شود و ذلت از هر سو، چون خیمه‌ای، بر سر چنین مردمی زده می‌شود یا چون نقش ثابتی بر نفوسشان باقی می‌ماند و به صورت ملکات و اخلاق

درمی آید، چنان که دیگر احساس به عزت و سربلندی در چنین مردمی بیدار نمی گردد و چون آب راکد و ساکن محل ورود هر وارد شونده ای و مرکز نشو و نما و انتشار هرگونه بیماری می شوند، و درهای خیر به رویشان بسته و درهای شر باز می گردد تا آنجا که به هر سو روی آرند به غضب الهی - که از دل و دیده و زبان مردم سر می زند - دچارند و خود نیز به حکم وجدان، به خود خشمگین و از خود بیزارند. و چون شراره این خشم، از باطن مجرم و غیر مجرم سر می کشد، چهره محیط و فضا را نیز خشمگین می نمایاند.

چون پیرو شهوات شدند نور عقلشان خاموش گردید و صفحه فطریشان را زنگار گرفته کفر به آیات خدا روش و پیشه همیشگی آنان شد. بر اثر غوطه وری در شهوات و کفر به آیات، پیامبران و مصلحان عالی قدر را که به دستگیری و هشیار ساختن آنان می شتافتند، چون معارض با هواها و شهواتشان بودند به ناحق می کشتند. چنان که عقل و وجدان را که پیامبر باطن هستند می کشتند. و اگر هم به ظاهر نکشید، پیوسته دعوت و صدای آنان را خاموش می کنند.»

آنچه از اخلاق و اندیشه و رفتار در این آیه به تصویر در آمده حقایقی است که در همه ادوار تاریخ در روحیه فردی و جمعی بخش عظیمی از این قوم به واسطه آنکه خودشان همین را انتخاب می کنند به واقعیت پیوسته، هم اکنون نیز در دار و دسته صهیونیست ها به خوبی دیده می شود و وجدان بیدار جهانی به آن اعتراف داشته و آن را محکوم می کند.

از هنگامی که یهود در سرزمین فلسطین ساکن گردید، برخلاف آموزه ها و رهنمودهای موسی و دیگر پیامبران بنی اسرائیل، با بومیان و صاحبان اصلی سرزمین سر جنگ داشتند و با روحیه انحصارطلبی و تجاوزکاری کوشیدند که به هر شیوه ای شده آنجا را ملک انحصاری

خود کنند. و هرگاه توان جنگیدن و به زور گرفتن را نداشتند، از راه نیرنگ و فریب و ریاکاری وارد شدند. و این روش را نه تنها با مردم سرزمین فلسطین که با مردم هر سرزمین و کشوری که به عنوان مهمان و مهاجر و آواره وارد شدند نیز در پیش گرفتند. به هر سرزمینی وارد شدند، برای تهی کردن سرهای مردم بومی از اندیشه، به دست گرفتن زمام اقتصاد و سرمایه و سست و بی‌غیرت و زبون کردن جوانان، به ترویج شراب‌خواری و رباخواری و فحشا پرداختند؛ و چون مصلحان سرزمین‌ها از ترفندشان آگاه شدند و به آنان و به مردم سرزمین خودشان هشدار دادند و می‌خواستند یهود را از آن کارهای فسادانگیز باز دارند و مردم خویش را از پیروی فساد برکنار سازند، با ترورهای شخصیتی و تهمت‌های ساختگی و ترورهای فیزیکی یهود مواجه شدند تا آنجا که قدرتها و مردم اروپا علیه آنان شوریدند و در بسیاری از کشورهای اروپایی آن قوم مفسد و به هم وابسته را در «گیو»ها یا شهرهای زیرزمینی و یا روزمینی، محصور کردند و آنان را مورد آزار و اذیت قرار دادند. همین حصرها و آزار و اذیتها آتش انتقام‌جویی آنان را شعله‌ورتر کرد و پیوسته درصدد تلافی و انتقامی شدید از آن مردم برآمدند و اگر توان آن را نداشتند باز هم، بیش از پیش و با ترفندهایی پیچیده‌تر، به همان شیوه‌های نیرنگ‌آمیز دست می‌زدند. با وجود آنکه یهود در سرزمین‌های اسلامی، به همان شیوه‌ها و روشها عمل می‌کردند و هدفشان در آن سرزمین‌ها فاسد و تهی کردن مردم بود و تسلط نهایی بر سیاست و اقتصاد آن کشور، لیکن به هر علت، در تمام این سرزمین‌ها، به عنوان یک اقلیت دینی، با احترام و حقوق کامل شهروندی می‌زیستند. البته وضع آنها تابع دو متغیر بود: نخست شیوه رفتار خودشان و دوم نگرش حکومت آن کشور به آنان. گاه در نتیجه رفتار بسیار فسادانگیز خودشان محکوم

می‌شدند بر لباس خود پاره‌ای بدوزند (غیار یا داغ پاره) که از دیگر مردم مشخص و متمایز شوند و گاه در زیر سایه حاکمان اهل سماحت و سهل‌گیری مانند آل‌بویه، همه نوع آزادی فرهنگی و اقتصادی و سیاسی به آنان داده می‌شد، به طوری که در بغداد و غیر بغداد، به وزارت هم می‌رسیدند.

همین شیوه رفتار دو سویه در سراسر تاریخ، با یهود ادامه داشت تا اینکه اروپا از خواب گران «قرون وسطایی» بیدار شد و در همه شؤون زندگی به «نوزایی» اندیشید. یهود هم در این میانه هشیار و بیدار شد و خود را با این جنبش همراه و هماهنگ کرد. علت نخستین جدا شدن دانشمندان و روشنفکران اروپا از دین و کلیسا، آموزه‌های سست‌کننده، ایستا، خرافاتی و ناسازگار با دانش کتاب مقدس یعنی همان تورات یهودیان، و به اندازه کمی انجیل مسیحیان بود؛ اما یهود با فرصت‌طلبی و آینده‌نگری، نه تنها، چون عده‌ای از سران و بزرگان مسیحیت و کلیسا، بر روی آموزه‌های تورات پافشاری نکرد، بلکه در کنار گذاشتن آموزشهای دینی، فریادشان از مسیحیان سکولار شده، بلندتر هم شد. و این بار با شیوه‌هایی نوین به سوی همان اهداف پیشین رهسپار شدند. به تأسیس بانک و ایجاد کارگاهها و سپس کارخانه‌ها و دانشگاهها و به دست گرفتن مهار اقتصاد و فرهنگ و سیاست اروپا و آمریکای نویافته دست زدند و برای تسلط بر جهان، کشورهای اروپایی را به استعمار (به معنای خواستار آبادانی و عمران شدن) آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی و استرالیا تشویق کردند. به تشکیل انجمن‌های ظاهراً فرهنگی مانند «فراماسونری» یا بنایان آزاد و سازنده همت گماشتند و به شکل هیأت‌های علمی، اقتصادی، مشاوره‌ای، تبشیری، جهانگردی و مانند اینها به کشورهای تازه به خواب رفته و خود باخته و شکست خورده و ناتوان سرازیر شدند.

با اینکه یهودیان پراکنده در سراسر جهان هیچ وجه اشتراکی با هم نداشتند و هیچ عاملی آنان را در یک کشور و سرزمین گردآوری نمی‌کرد و یهودیان خود هیچ نیازی به داشتن یک وطن مشترک احساس نمی‌کردند، برخی از سران یهود سرمایه‌دار، در اواخر قرن نوزدهم در «بال سوئیس» گرد هم آمدند و «بازگشت به سرزمین موعود» و مسکن گزیدن در سایه کوه «صهیون» واقع در سرزمین فلسطین را مطرح کردند، و چون دین انگیزه‌ای نبود که همه یهودیان را در یک کشور گرد آورد، مسئله قومیت و نژاد را پایه کار خود قرار دادند و بدین وسیله فرقه‌ای و مکتبی به نام «صهیونیسم» به وجود آمد. اما «صهیونیست» کسی نبود که بدین مکتب و فرقه باور یا حتی گرایش داشته باشد، بلکه به گفته «دیوید بن گوریون» از پایه‌گذاران این جنبش «صهیونیست شخصی یهودی است که در هر کشوری به جز اسرائیل (= سرزمین فلسطین) زندگی می‌کند و احساس راستینی دارد که از وطنش دور شده و تصمیم می‌گیرد که به کوه صهیون بازگردد»^۱ یکی دیگر از پایه‌گذاران این جنبش «تئودور هرتزل»^۲ مشهور به «پدر صهیونیسم» می‌گوید «یهود همیشه به شکل یک امت واحد و نژاد مشخص ویژه‌ای باقی می‌ماند»^۳ سپس سران این جنبش می‌کوشند تا یهود را در زیر یک پرچم متحد سازند و چون دین به تنهایی فراهم آورنده آنان نیست، عنصر قومیت را با آن درآمیخته و می‌گویند: «جدا کردن جنبه دینی از جنبه قومیت در روح صهیونیسم از محالات است»^۴ (خاخام ابراهام کوک)

۱. پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۷۳.

۲. جرائم اسرائیل، ص ۹.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۰.

یکی دیگر از پایه‌گذاران صهیونیسم به نام «موزس هیس» می‌گوید: «تاریخ مبارزات نژادی گذشته عیناً به شکل مبارزات طبقاتی بازگشته است و مسائل قومیت در پشت سر همه قضایای نژادی است.»^۱

این قوم آواره در سراسر جهان، به هر کشوری پا می‌گذاشتند، در برابر خوبی‌ها و مهربانی‌هایی که از میزبان خود می‌دیدند، پاسخی جز بدی نمی‌دادند. اگر از جنایات متعددی که در طول تاریخ مرتکب شده‌اند و کتابهای تاریخی عهد عتیق یا تورات آنها را به ثبت رسانیده صرف‌نظر کنیم، تاریخ معاصر جهان نیز شاهد هزاران گونه جنایت است که همه آنها زیر پوشش مظلوم‌نمایی و به بهانه خود ساخته «آنتی سمیتسم» یا یهودآزاری انجام داده‌اند و هدفشان توجیه اشغال سرزمین فلسطین به عنوان «وطن یهود» بود که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

پوگروم‌ها در روسیه

یهودیان در روسیه وضع خوبی داشتند و برخی از ثروت‌اندوزان یهودی از طریق دادن وام به حکومت تزار، دستگاه حکومتی را وامدار خود ساخته بودند. لذا حاضر نبودند که از روسیه خارج شوند و به جای دیگری کوچ کنند. اما مجامع یهودی با گرایش صهیونیستی که نگران این موضوع بودند به فکر توطئه افتادند. در سال ۱۸۸۱م. «الکساندر دوم» تزار روس به طور مرموزی ترور شد. محافل دولتی و رسانه‌ها یهودی‌ها را عامل این قتل معرفی کردند و از آن پس حملات فیزیکی بسیار مرموزی که به «پوگروم» یا کشتار جمعی معروف شد و به دنبال مظلوم‌نمایی صهیونیست‌ها و قانع کردن یهودیان به کوچ کردن از روسیه به شدت آغاز

شد. لیکن با همه این توطئه‌ها و تلاش‌ها، از سه میلیون یهودی ساکن در روسیه در آن سالها، دو و نیم میلیون نفر تا سال ۱۹۱۴م. به شرق اروپا و آمریکا، سیصد و پنجاه هزار نفر به اروپای غربی و بقیه به آرژانتین و تعداد کمی به فلسطین مهاجرت کردند.^۱

ماجرای دریفوس در فرانسه

در سال ۱۸۹۴م. یک افسر با نام «دریفوس» در فرانسه به جرم جاسوسی برای آلمان دستگیر و پس از محاکمه به حبس ابد و تبعید به جزیره شیطان محکوم شد و سپس با دخالت افراد و کانونهای ذی نفوذ یهود در فرانسه از یک سو و تبلیغات سیاسی مطبوعات و نویسندگان یهودی ماجرا به نفع دریفوس بازگشت و در سال ۱۹۰۶م. حکم برائت دریفوس صادر شد و چندی بعد با عنوان «شوالیه» به دریافت نشان «لژیون دو نور» و ارتقای درجه نظامی نایل آمد. لیکن صهیونیست‌های فرانسه از این ماجرا در جهت مظلوم‌نمایی و تشویق یهودیان برای مهاجرت به فلسطین کمال استفاده را کردند. البته این جریان در روزگاری رخ داد که فرانسه مهد آزادی و رفاه برای یهودیان بود و آنان در بهترین و بالاترین موقعیت‌های سیاسی و اقتصادی قرار داشتند و بازار بورس فرانسه در دست آنان بود و در همه دوایر دولتی و ارتش نفوذ کرده بودند به طوری که در واقع «حکومت در حکومت» تشکیل داده بودند. لیکن سران صهیونیسم می‌خواستند به هر شکل و روشی شده یهودیان را وادار به کوچ کردن به سرزمین فلسطین کنند.^۲

۱. پس پرده هولوکاست (به اختصار) ص ۴۷ به بعد.

۲. همان، ص ۵۷ به بعد.

مقدمه نویسنده

تحقیق ارائه شده حاصل کاری است که در فردای روز قتل عام «صبرا و شتیلا» شروع شده است. این تحقیق بر پایه شهادت دهها اسرائیلی نظامی و غیرنظامی، فلسطینی‌ها، لبنانی‌ها و روزنامه‌نگاران خارجی استوار شده است. من وسیعاً از روزنامه‌های اسرائیلی، لبنانی و بین‌المللی و همچنین از پرونده‌های موجود در کمیسیون تحقیقات قضایی اسرائیل، اعترافات شفاهی در صحن کِنِست (پارلمان اسرائیل)، بخش شنود خاورمیانه‌ای رادیو اسرائیل، تلکس خبرگزاری‌های بین‌المللی و نیز اسناد دست اول اسرائیلی، فلسطینی و لبنانی در این تحقیق استفاده نموده‌ام.

به منظور دقت بیشتر در این تحقیق، کلیه مدارک و استناداتی که اساس آنها چندان مورد تأیید نبوده است را حذف و فقط به مدارک و شواهدی استناد نموده‌ام که به نوعی کاملاً مطمئن و قابل تأیید بوده‌اند.

آمون کاپولوک

نوامبر ۱۹۸۲